

دوستان آمریکا در فکر تسلیحات هسته‌ای

با سرعتی که دولت دوم ترامپ در حال آن بین بردن عناصر اساسی نظم بین‌المللی پس از جنگ است، به نظر می‌رسد که برخی پیامدهای آشکار اقدامات خود را در نظر نگرفته است؛ از جمله احتمال آغاز موج جدیدی از اشاعه تسلیحات هسته‌ای، این‌بار نه توسط تئوریست‌های با‌دولت‌های یاغی، بلکه توسط کشورهای که پیش‌تر به عنوان متحدان آمریکا شناخته می‌شدند.

برگرداندن ساعت سیاست خارجی به یک قرن پیش، تهدید وجودی‌ای که امروز با آن مواجهیم را از بین نخواهد برد: یعنی گسترش گسترده دانش هسته‌ای و فناوری هسته‌ای نسبتاً ارزان و در دسترس. رژیم عدم اشاعه که مانع از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سطح وسیع می‌شود، یک اقدام داوطلبانه از سوی کشورها برای محدودسازی خود است؛ اقدامی که کشورها به آن پایبند می‌مانند زیرا احساس می‌کنند با این رژیم امنیت بیشتری دارند تا بدون آن. اما بخش عمده‌ای از این احساس امنیت، ناشی از این واقعیت است که این رژیم درون یک نظام بین‌المللی گسترده‌تر قرار دارد که تحت قدرت کلی آمریکا نظارت می‌شود. و این دقیقاً همان شبکه همکاری‌های بین‌المللی، از جمله نهادهایی مانند ناتو، است که دولت ترامپ در حال نابود کردن آن است.

همه باید درک کنند که اگر نظم لیبرال فروپاشد، رژیم عدم اشاعه نیز با آن فرو خواهد پاشید. و قدرت‌هایی که به سمت تسلیحات هسته‌ای خواهند شتافت، همان دوستان پیشین آمریکا خواهند بود که دیگر اطمینانی به تضمین‌های امنیتی آمریکا ندارند، و حتی ممکن است از اجبار و فشار آمریکا نیز هراس داشته باشند.

اگر نظم لیبرال فرو بپاشد، رژیم عدم اشاعه نیز با آن فرو خواهد پاشید و قدرت‌هایی که به سمت تسلیحات هسته‌ای خواهند شستافت، همان دوستان پیشین آمریکا خواهند بود که دیگر اطمینانی به تضمین‌های امنیتی آمریکا ندارند.

دانشمند علوم سیاسی، «کنت والتز» استدلال معروفی داشت که بر اساس آن، هنگامی که صحبت از گسترش تسلیحات هسته‌ای می‌شود، می‌گفت «دولت‌های بیشتری اگر به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند ممکن است بهتر باشد» چراکه رقابت‌های بین‌المللی با چشم‌انداز نابودی متقابل تضمین شده به‌طور پایدار تثبیت خواهند شد. جهان ممکن است در آستانه آزمون این فرضیه باشد. و از آنجا که خطرناک‌ترین مرحله از فرآیند اشاعه، همیشه زمانی است که کشورها در آستانه عبور از آستانه هسته‌ای قرار دارند، اگر دولت ترامپ مسیر خود را تغییر ندهد، احتمالاً سال‌های پیش‌رو با بحران‌های هسته‌ای تعریف خواهند شد.

سیاستمداران آمریکایی در دهه ۱۹۶۰، پس از سه دهه جنگ و بحران اقتصادی، شروع به ایجاد یک نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین کردند. درسی که آن‌ها از نیمه اول قرن بیستم گرفتند، ساده بود: دولت‌ها صرفاً بر اساس منافع کوتاه‌مدت و خام، کشورها را به سمت سیاست‌های اقتصادی آسیب‌زننده به همسایگان و سیاست‌های امنیتی مبتنی بر واگذاری مسئولیت سوق می‌دهد که در نهایت به آشفتگی اقتصادی و اجتماعی، ظهور

فناوری باشند همان‌طور که همیشه با ظهور فناوری‌های جدید نظامی این اتفاق می‌افتد. اما گسترش گسترده سلاح‌های هسته‌ای زمانی متوقف شد که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ راه‌حلی نسبی برای این مسئله پیدا شد. ایالات متحده تصمیم گرفت که با استفاده از سیاست بازدارندگی، دشمنان هسته‌ای خود را مهار کند، در عین حال با استفاده از زرادخانه خود، نه‌تنها از خود بلکه از متحدانش نیز محافظت کند، تا آن‌ها نیازی به برنامه‌های هسته‌ای مستقل نداشته باشند. این ترتیبات در سال ۱۹۷۰ با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT) تثبیت شد. بر اساس این توافق، آمریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه،

چین و توانستند زرادخانه‌های هسته‌ای خود را حفظ کنند تا سیاست بازدارندگی ادامه یابد، درحالی‌که سایر امضاکنندگان از حق دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای صرف‌نظر کردند. این معامله منطقی به نظر می‌رسید و تا حد زیادی پایدار باقی مانده است، به‌طوری‌که پس از آن فقط اسرائیل، هند، پاکستان، و کره شمالی به باشگاه کشورهای هسته‌ای پیوستند.

در حوزه تسلیحات هسته‌ای، همواره بیشترین توجه معطوف به ابرقدرت‌ها بوده است و پس از آن‌ها، به کشورهای مانند کره شمالی(که در سال ۲۰۰۶ به سلاح هسته‌ای دست یافت)، عراق(که در بی دستیابی به آن بود)، و ایران(که اکنون در آستانه هسته‌ای شدن قرار دارد). با این حال، به دلیل تحولات اخیر، دو مورد کمتر مورد توجه قرار گرفته، یعنی بریتانیا و فرانسه، اکنون شایسته بررسی بیشتری هستند.

بریتانیا در سال ۱۹۶۱ اولین برنامه تسلیحات هسته‌ای جهان را آغاز کرد و دو سال بعد آن را با پروژه منهتن اذفاع کرد. اما پس از جنگ، وقتی واشنگتن همکاری خود را متوقف کرد، لندن تصمیم گرفت به تنهایی ادامه دهد و در سال ۱۹۵۲ اولین بمب خود را با موفقیت آزمایش کرد. از سوی دیگر، فرانسه یک برنامه نظامی هسته‌ای مخفی را در سال ۱۹۵۴ آغاز کرد، در سال ۱۹۵۸ آن را علنی ساخت، و سرانجام در سال ۱۹۶۰ اولین سلاح هسته‌ای خود را آزمایش کرد.

اما چرا فرانسه، درحالی‌که تحت چتر هسته‌ای آمریکا قرار داشت، به دنبال سلاح هسته‌ای رفت؟ چون رئیس‌جمهور فرانسه، شارل دوگل، به تعهدات امنیتی واشنگتن اعتماد نداشت. او معتقد بود که بازدارندگی هسته‌ای گسترده آمریکا یک سراب است و برای اینکه پاریس واقعاً احساس امنیت کند، هیچ راهی جز دستیابی به توانایی هسته‌ای مستقل ندارد. همان‌طور که دوگل در سال ۱۹۶۳ گفت: «تسلیمات هسته‌ای آمریکا همچنان تضمین اصلی صلح جهانی هستند... اما واقعیت این است که قدرت هسته‌ای آمریکا

در اروپا، برخی از ژنرال‌های لهستانی علناً این ایده را مطرح کرده‌اند که به جای تکیه بر فرانسه و بریتانیا، لهستان می‌تواند یک نیروی هسته‌ای مستقل برای خود ایجاد کند.

نباید تعجب کرد که متحدان سابق آمریکا برخی از تصمیمات گذشته خود را که بر اساس حمایت پایدار آمریکا گرفته بودند، بازنگری کنند.

۲۰۰۶ به سلاح هسته‌ای دست یافت، عراق(که در بی دستیابی به آن بود)، و ایران(که اکنون در آستانه هسته‌ای شدن قرار دارد). با این حال، به دلیل تحولات اخیر، دو مورد کمتر مورد توجه قرار گرفته، یعنی بریتانیا و فرانسه، اکنون شایسته بررسی بیشتری هستند.

بریتانیا در سال ۱۹۶۱ اولین برنامه تسلیحات هسته‌ای جهان را آغاز کرد و دو سال بعد آن را با پروژه منهتن اذفاع کرد. اما پس از جنگ، وقتی واشنگتن همکاری خود را متوقف کرد، لندن تصمیم گرفت به تنهایی ادامه دهد و در سال ۱۹۵۲ اولین بمب خود را با موفقیت آزمایش کرد. از سوی دیگر، فرانسه یک برنامه نظامی هسته‌ای مخفی را در سال ۱۹۵۴ آغاز کرد، در سال ۱۹۵۸ آن را علنی ساخت، و سرانجام در سال ۱۹۶۰ اولین سلاح هسته‌ای خود را آزمایش کرد.

اما چرا فرانسه، درحالی‌که تحت چتر هسته‌ای آمریکا قرار داشت، به دنبال سلاح هسته‌ای رفت؟ چون رئیس‌جمهور فرانسه، شارل دوگل، به تعهدات امنیتی واشنگتن اعتماد نداشت. او معتقد بود که بازدارندگی هسته‌ای گسترده آمریکا یک سراب است و برای اینکه پاریس واقعاً احساس امنیت کند، هیچ راهی جز دستیابی به توانایی هسته‌ای مستقل ندارد. همان‌طور که دوگل در سال ۱۹۶۳ گفت: «تسلیمات هسته‌ای آمریکا همچنان تضمین اصلی صلح جهانی هستند... اما واقعیت این است که قدرت هسته‌ای آمریکا

فرانسه یک برنامه نظامی هسته‌ای مخفی را در سال ۱۹۵۴ آغاز کرد، در سال ۱۹۵۸ آن را علنی ساخت، و سرانجام در سال ۱۹۶۰ اولین سلاح هسته‌ای خود را آزمایش کرد.

چرا فرانسه درحالی‌که تحت چتر هسته‌ای آمریکا قرار داشت، به دنبال سلاح هسته‌ای رفت؟ چون رئیس‌جمهور فرانسه، شارل دوگل، به تعهدات امنیتی واشنگتن اعتماد نداشت. او معتقد بود که باززندگی هسته‌ای گسترده آمریکا یک سراب است.

دریچه‌ای به جهان
khareji@kayhan.ir

بازگشت دوباره ترامپ به کاخ سفید بیش از آن دشمنان آمریکا را نگران کند دوستان و متحدان واشنگتن را نگران و دلواپس کرده است. ترامپ خواستار الحاق کانادا و گرین‌لند به آمریکا و تصاحب کانال پاناما شده است، او زلنسکی رئیس‌جمهور دیگر متحد خود یعنی اوکراین را از کاخ سفید بیرون کرده است و گفته است باید برای تداوم کمک‌های نظامی منابع معدنی با ارزش اوکراین را به آمریکا تقدیم کند. ترامپ همچنین کانادا، مکزیک و اتحادیه اروپا را به وضع تعرفه‌های سنگین تهدید کرده است. ترامپ همچنین به سایر متحدین خود در آسیا مثل ژاپن نیز گفته است باید هزینه‌های دفاع از امنیت خود را بپردازند در غیر این صورت خبری از حمایت آمریکا نخواهد بود.
مزمه‌های خروج آمریکا از ناتو نیز متحدان اروپایی واشنگتن را به شدت نگران کرده است. «فران افیزر» در مقاله‌ای به قلم «کیدتوون روز» پژوهشگر برجسته آمریکایی با اشاره به اقدامات ترامپ در رابطه با دوستان و متحدان آمریکا می‌نویسد چتر هسته‌ای آمریکا که برای چند دهه از سوی آمریکا تبلیغ می‌شد با اقداماتی که ترامپ انجام داد مشخص شد که سرایی بیش نبوده است و دولت‌های اروپایی و آسیایی که تا پیش از این چتر هسته‌ای آمریکا را ضامن امنیت خود می‌دیدند فهمیده‌اند که در زمان خطر نمی‌توان به آمریکا اطمینان کرد و باید خود به فکر تأمین و تضمین امنیت خود با حرکت به سمت هسته‌ای شدن بروند.

سرویس خارجی کیهان

شرق. هنوز مشخص نیست که گرایش شدید دولت ترامپ به سمت مسکو تا کجا پیش خواهد رفت، هم به دلیل ابهامات ناشی از این تغییر بزرگ در سیاست خارجی آمریکا و هم به دلیل ناهماهنگی در مواضع اعلامی دولت ترامپ. اما در هفته‌های اخیر، تغییرات به اندازه‌ای بوده‌اند که به‌وضوح نشان دهند که دیگر نمی‌توان به وعده‌های پیشین آمریکا در قبال اوکراین و سایر کشورها به طور کامل اعتماد کرد. درست مانند دوگل، مرشایمر نیز حق داشت. بازدارندگی هسته‌ای گسترده یک کامل اعتماد کرد. درست مانند دوگل، مرشایمر نیز بود و کشورهایی که به آن اعتماد کرده بودند، بازبچه‌ای بیش نبودند. این مسئله برای بسیاری از کشورهایی که احساس خطر می‌کنند، یک پرسش خواهد بود.

مترجم:
سیدمحمد امین‌آبادی

سرابی به نام چتر هسته‌ای آمریکا

متحدان واشنگتن در فکر دستیابی به سلاح هسته‌ای



مهم را مطرح می‌کند: چرا نباید راه فرانسه را در پیش گرفت و با توسعه نیروی ضربتی (force de frappe) خود، امنیتشان را تضمین کنند؟

کشور بعدی کیست؟

حالا که ایالات متحده به یک متحد غیرقابل اعتماد تبدیل شده است، کشورهایی که به دنبال محافظت هستند، می‌توانند راه دیگری را انتخاب کنند: تأمین بازدارندگی گسترده از سوی یک قدرت دیگر، به عنوان مثال، «فردریش مرتس»، صدراعظم جدید آلمان، اعلام کرده که قصد دارد با بریتانیا و فرانسه مذاکره کند تا ببیند آیا می‌توانند



سال‌ها، جنگی که در ابتدا بر اساس تحرکات سریع بود، به یک جنگ فرسایشی و موضعی تبدیل شد؛ روسیه همچنان کریمه و بیشتر مناطق دونباس را در کنترل داشت، در حالی که اوکراین به بخشی از قلمرو روسیه در نزدیکی کورسک چنگ زده بود. دولت بایدن و متحدان اروپایی‌اش متعهد بودند که کی‌یف را در میدان نبرد نگه دارند، اما تمایل پوتین به استفاده از تمام منابع عظیم کشورش به او برتری نسبی می‌داد.

چتر هسته‌ای خود را برای آلمان نیز گسترش دهند. دیگر اعضای ناتو نیز ممکن است به فکر اقدامی مشابه بیفتند. «کر استارمو»، نخست‌وزیر بریتانیا، و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، نسبت به این ایده نظر مثبتی دارند، و این احتمال وجود دارد که یک بازدارندگی واقعاً اروپایی شکل

اگر نظم جهانی همچنان رو به فروپاشی برود، به احتمال زیاد کره جنوبی اولین کشوری خواهد بود که به این موج جدید پیوسته و یک قدرت هسته‌ای جدید شود.

موانع روانی که برای دهه‌ها مانع از گسترش سلاح‌های هسته‌ای شده بودند، ممکن است دیگر همین حالا فرو ریخته باشند.

بگیرد. چنین تحولی می‌تواند مفید باشد و در دنیای پس‌آمریکایی به ثبات امنیت اروپا کمک کند. اما خیانت واشنگتن تردیدهایی عمیقی درباره هرگونه بازدارندگی گسترده جدید ایجاد خواهد کرد، زیرا نشان می‌دهد که این تعهدات موقتی خود هستند. سوئد تا دهه ۱۹۷۰ یک برنامه مستقل هسته‌ای داشت، و ممکن است اکنون دوباره به آن بازگردد.

هیچ‌یک از این احتمالات قطعی نیستند، بنابراین، برخی کشورها ممکن است تصمیم بگیرند که برای اطمینان از امنیت خود، مستقیماً به دنبال سلاح‌های هسته‌ای بروند. با وجود تمام محدودیت‌های کنونی برای جلوگیری از چنین سناریویی، این کار آسان نخواهد بود. آنها باید تخصص هسته‌ای پیشرفته، مقادیر زیادی مواد شکافت‌پذیر، و توانایی تولید سلاح‌های پیشرفته را به دست آورند. چنین اقدامی نیازمند سال‌ها تلاش مداوم و سرمایه‌گذاری دهها میلیارد دلاری خواهد بود. اما قطعاً غیرممکن نیست.

صفحه ۸

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳

۱۳ رمضان ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۱۹

اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را آغاز کرد و در این مسیر کمک‌های زیادی از فرانسه دریافت کرد. گفته می‌شود که اسرائیل تا اواخر دهه ۱۹۶۰ نخستین بمب خود را توسعه داد و در دهه‌های بعد چند صد کلاهک دیگر به زرادخانه‌اش افزود.

از سوی دیگر، پس از آنکه دشمن دیرینه‌اش هند به سلاح هسته‌ای دست یافت، پاکستان نیز در دهه ۱۹۷۰ یک برنامه مخفیانه هسته‌ای را آغاز کرد. با دریافت کمک‌های فراوان از چین و کره شمالی، اسلام‌آباد در سال ۱۹۹۸ توانست یک سلاح هسته‌ای را با موفقیت آزمایش کند.

ژاپن به جای توسعه یک برنامه هسته‌ای کامل، یک توانایی هسته‌ای نهفته را ایجاد کرده است نوعی بمب در زیرزمین که در صورت لزوم می‌توان به‌سرعت آن را به یک سلاح تبدیل کرد. از دهه ۱۹۶۰، توکیو متعهد شده است که سلاح هسته‌ای نداشته باشد، آن را تولید نکند، و اجازه ورود آن را به خاک ژاپن ندهد.

اما در عین حال، یک برنامه پیشرفته انرژی هسته‌ای غیرنظامی، ذخایر بزرگی از پلوتونیوم جداشده، و یک صنعت دفاعی قدرتمند ایجاد کرده است.

اگر هر دولتی در ژاپن تصمیم بگیرد، می‌تواند ظرف چند ماه آخرین گام‌ها را برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بردارد البته در صورت پذیرش واکنش‌های داخلی و بین‌المللی که به دنبال آن خواهد آمد.

دو نامزد آشکار برای هسته‌ای شدن، اوکراین و تایوان هستند؛ دو کشوری که آشکارا با تهدید همسایگان قدرتمند و مجهز به سلاح هسته‌ای روبرو هستند.(تایوان تاکنون دو بار، در دهه‌های

چتر هسته‌ای گسترده آمریکا یک توهم بود و کشورهایی که به آن اعتماد کرده بودند، بازبچه‌ای بیش نبودند.

اگر دولت ترامپ مسیر خود را تغییر ندهد، احتمالاً سال‌های پیش‌رو با بحران‌های هسته‌ای تعرف خواهند شد.

👇👇

۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تلاش کرده است که به سلاح هسته‌ای دست یابد، اما هر دو بار ایالات متحده مداخله کرد و مانع شد.) اما اگر این کشورها بار دیگر چنین تلاشی را آغاز کنند، ممکن است همسایگان‌شان پیش از تکمیل این روند، به آنها حمله کنند. بنابراین، تلاش برای کسب امنیت می‌تواند به جنگ پیشگیرانه و حتی نابودی ملی منجر شود.

اگر نظم جهانی همچنان رو به فروپاشی برود، به احتمال زیاد کره جنوبی اولین کشوری خواهد بود که به این موج جدید پیوسته و یک قدرت هسته‌ای جدید شود.

این کشور در سال ۱۹۷۵ به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای(NPT) پیوست، اما می‌تواند هر زمان که بخواهد از آن خارج شود. ممکن است ستول به این نتیجه برسد که برای مقابله با تهدید کره شمالی، نیاز به یک توانایی هسته‌ای مستقل دارد.

مقام‌های کره جنوبی پیش از این هم درباره این احتمال صحبت کرده‌اند، و اگر ایالات متحده نشانه‌هایی از عقب‌نشینی و کاهش تعهدات امنیتی خود نشان دهد، این بحث‌ها به‌طور جدی شدت خواهند گرفت. اگر ستول به سمت هسته‌ای شدن

اقدامات ترامپ به وضوح نشان دهند که دیگر نمی‌توان به وعده‌های پیشین آمریکا در قبال اوکراین و سایر کشورها اعتماد کرد.

در موافقتنامه بوداپست در سال ۱۹۹۴ به اوکراین در ازای واگذاری تمامی تسلیحات هسته‌ای خود وعده داده شد که امنیتش از سوی آمریکا و روسیه تضمین خواهد شد.

👇👇

برود، ژاپن احتمالاً بلافاصله از آن پیروی خواهد کرد. در نهایت، استرالیا نیز ممکن است به این گروه بپیوندد و برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را که در دهه ۱۹۷۰ کنار گذاشته بود، از سر بگیرد. **آغاز یک رقابت جدید در اروپا**

در اروپا، برخی از ژنرال‌های لهستانی علناً این ایده را مطرح کرده‌اند که به جای تکیه بر فرانسه و بریتانیا، لهستان می‌تواند یک نیروی هسته‌ای مستقل برای خود ایجاد کند.

نخست‌وزیر لهستان، در سخنرانی خود در پارلمان این کشور، به‌نوعی این ایده را تأیید کرد. او گفت: «لهستان باید به سمت مدرن‌ترین امکانات حرکت کند، از جمله در زمینه تسلیحات هسته‌ای و سلاح‌های پیشرفته. پیشرفت. خرید سلاح‌های سنتی و متعارف دیگر کافی نیست.»

در همین حال، مقام‌های کشورهای نوردیک و بالتیک(مانند سوئد و فنلاند) احتمالاً در جلسات خصوصی در حال بحث درباره گزینه‌های هسته‌ای خود هستند. سوئد تا دهه ۱۹۷۰ یک برنامه مستقل هسته‌ای داشت، و ممکن است اکنون دوباره به آن بازگردد. هیچ‌یک از این احتمالات قطعی نیستند، بنابراین، برخی کشورها ممکن است تصمیم بگیرند که برای اطمینان از امنیت خود، مستقیماً به دنبال سلاح‌های هسته‌ای بروند. با وجود تمام محدودیت‌های کنونی برای جلوگیری از چنین سناریویی، این کار آسان نخواهد بود. آنها باید تخصص هسته‌ای پیشرفته، مقادیر زیادی مواد شکافت‌پذیر، و توانایی تولید سلاح‌های پیشرفته را به دست آورند. چنین اقدامی نیازمند سال‌ها تلاش مداوم و سرمایه‌گذاری دهها میلیارد دلاری خواهد بود. اما قطعاً غیرممکن نیست.



یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل مربوط به بقایای زرادخانه هسته‌ای شوروی بود که در کشور تازه استقلال‌یافته اوکراین باقی مانده بود. سایر کشورها بر کی‌یف فشار آوردند که این تسلیحات را به مسکو بازگرداند و در عوض وعده دادند که این اقدام به ضرر اوکراین نخواهد بود. اوکراین که توان چندانی برای مقاومت نداشت، این پیشنهاد را

👇👇